

نبات در ادب فارسی

نبات در ایران از دیرباز سمبل شادمانی و شادباش است و جزء جدا نشدنی مهریه و سفره عقد در پیوند ازدواج است. نبات نوعی شیرینی ایرانی است که در همه جلوه‌های زندگی ایرانیان از شادی تا غم حضور دارد. نهادن شاخ نبات بر سفره عقد هنگام پیمان زناشویی به نشانه آرزوی زندگی شیرین عروس و داماد، و یا استفاده از آن در هنگام بیماری‌ها در پزشکی سنتی ایرانی، نشان از اهمیت این شیرینی نزد ایرانیان دارد.

استاد ابراهیم پورداود در «هرمزنامه» درباره ریشه واژه نبات می‌نویسد:

«... این که آن را نبات خوانده‌اند و به رستنی و گیاه "نیشکر" پیوسته‌اند، شاید در مقابل عسل (= انگبین) باشد که ماده شیرین حیوانی است از زنبور عسل. آنچه را امروزه در فارسی نبات خوانند در پارینه، "تبرزد" خوانده‌اند و معرب آن "طبرزد" است، در پهلوی "تورزت" Tvarzat چنانکه در نامه پهلوی "خسرو کواتان و ریدک" آمده است و در ادبیات فارسی هم بسیار به کار رفته:

وان سیب چو مخروط یکی گوی تبرزد / در معصفری آب زده باری سی صد

بر گرد رخس بر، نقطی چند ز بسد / واندر دم او سبز جلیلی ز زمرد

منوچهری دامغان "تبرزد" را مرکب دانسته‌اند از "تبر" (در پهلوی تور Tavar) و از جزء "زدن"، یعنی چندان سخت است که با تبر باید آن را شکست و خرد کرد. این وجه تسمیه درست باشد یا نه، همه این را نوشته اند...

از دست دوست هرچه ستانی شکر بود / وز دست غیر دوست تبرزد تبر بود، سعدی

حمداالله مستوفی در نزهةالقلوب که در سال ۷۴۰ نوشته شده، به جای تبرزد کلمه نبات به کار برده... شک نیست که کلمه نبات بسا بیشتر از نیمه هشتمین قرن میلادی داخل زبان فارسی شده و همه ما این شعر خواجه حافظ را به یاد داریم:

این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد / اجر صبری ست کز آن شاخ نباتم دادند»

واژه «نبات» در ادب فارسی کاربرد فراوان دارد و در ترکیب‌های گوناگون به گستردگی از سوی سرایندگان به کار رفته است. برای نمونه:

گفتم که لب، گفت لبم آب حیات / گفتم دهن، گفت زهی حَب نبات

حافظ چه طرفه شاخ نباتی ست کلک تو / کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکر است، حافظ

تو را رخ چون گل و لب چون نبات است / غلط گفتم، لب آب حیات است، نظامی

گویم سخن شکرنبات / یا قصه چشمه حیات

آمد می ناب وز پی نقل / بادام و نبات و شکر آمد، مولوی

نبات اصفهان:

نظامی گنجهای، شاعر پارسی‌گوی قرن ششم هجری، داستان دل‌بستگی «خسرو پرویز» به دلبرش «شکر» را در منظومه «خسرو و شیرین» زیر عنوان «شنیدن خسرو، اوصاف شکر اصفهانی را» چنین بازگو می‌کند که در آن زمان در سپاهان، بانویی زیباروی، خنده‌روی، پاکدامن، شیرین‌زبان و زیرک به نام «شکر» بود. نظامی در بیتی شکر بانوی اصفهانی را به نبات سپاهان تشبیه می‌کند که این نشانه‌ای از رسیدن آوازه نبات اصفهان در زمان نظامی به چهارگوشه ایران زمین است:

شکر نامی که شکر ریزد او بود / نباتی کز سپاهان خیزد او بود

عطار نیشابوری هم در «خسرونامه» در وصف گلرخ، ضمن اشاره به شکر خوزستان از محبوبیت نبات یا تبرزد اصفهان یاد می‌کند:

به خوزستان شکر از خنده او / تبرزد در سپاهان بنده او

اکنون نیز نبات اصفهان از مرغوبیت خوبی برخوردار است و به عنوان یکی از سوغات اصفهان به شمار می‌رود.